



سال دوم - شماره چهارم - پاییز ۱۳۹۱

صص ۲۴۰-۲۱۵

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران

دکتر ملیحه شیانی^۱

بهراد رضوی الهاشم^۲

کامل دلپسند^۳

چکیده

این مقاله به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اساسی است: مشارکت شهروندان در امور شهری چه جایگاهی دارد؟ عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری کدامند؟ برای پاسخ به پرسش نخست، مشارکت شهروندی از جنبه ذهنی بررسی شده است. این بخش، تغییر در گرایشها، باورها و وجهه نظرهای مردم را مورد توجه قرار می‌دهد و برای پاسخ به پرسش دوم، رفتار مشارکت، در حوزه‌های فرهنگی- اجتماعی بررسی شده است.

این مطالعه به روش پیمایشی انجام شده است و جمع‌آوری اطلاعات در قالب پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه آماری شامل ۱۳۳۵ نفر از شهروندان شهر تهران است که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند.

msh-45@yahoo.com

۱- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

۲- مدرس دانشگاه، پژوهشگر مؤسسه تحقیقات تعاون دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

Brazavi@ut.ac.ir

۳- مدرس دانشگاه جامع سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

delpasand@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۶

تاریخ وصول: ۹۱/۲/۷

نتایج نشان داد که مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری باید داوطلبانه و هدفمند صورت گیرد. برنامه‌ریزان شهری نخست باید بر مشارکت ذهنی و تغییر در باورها و گرایشهای شهروندان تأکید نمایند. رفتار مشارکتی در برنامه‌های شهری نیز باید در دو بخش انجام شود. در مرحله اول باید شناخت عوامل اثرگذار در مشارکت شهروندی، مورد توجه قرار گیرد و در مرحله دوم حفظ مشارکت در طرحها و برنامه‌هایی است که اجرا شده است. جلب مشارکت زنان، جوانان و بازنشستگان و... و تعیین ساز و کارهای مشارکتی آنان در حوزه‌های اجتماعی - فرهنگی می‌تواند کارایی و بهره‌وری مدیریت شهری را افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، شهروندی، مدیریت شهری، توسعه شهری، مشارکت ذهنی، مشارکت رفتاری.

طرح و بیان مسأله

در عصر جدید، پیشرفت روزافزون جوامع، مفهوم مشارکت را به تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی بسط داده است. «مشارکت در جامعه باز براساس تصمیمات شخصی، آگاهانه و داوطلبانه صورت می‌گیرد» (پوپر، ۱۳۶۹: ۱۰۲). ولی با وجود اندیشه مشارکت، این مسأله هنوز بروز و ظهور پیدا نکرده است و عوامل فضایی - کالبدی، اجتماعی - فرهنگی از جمله موانع آن به شمار می‌روند.

«مشارکت از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت زندگی فردی در آمده و با احساس مسئولیت جمعی به شهروند بدل شوند» (پیران، ۱۳۷۴: ۱۳۲). برای پاسخگویی به نیازهای توسعه شهری و توجه به سهم آیندگان، به ناچار باید اداره امور زندگی شهری را بر مبنای الگوی مشارکت هدفمند، آگاهانه و داوطلبانه شهروندان برنامه‌ریزی کنیم.

از نظر پرویز پیران (۱۳۷۶)، مشارکت اجتماعی به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی دارای تناقضی ریشه‌دار است. این تناقض نشان می‌دهد که ایرانیان در

عرصه‌های غیر رسمی و خصوصی سخت مشارکت‌جو بوده‌اند، ولی در عرصه‌های رسمی، مشارکت‌جو نیستند. این نکته معنای فنی و تخصصی مشارکت اجتماعی را با خصایص داوطلبانه بودن، هدفمند بودن، آزادی انتخاب و... پیچیده می‌کند که این پیچیدگی بیانگر وجود جنبه‌ها و الزاماتی است که در مشارکت شهروندی در حوزه‌های فضایی، اجتماعی، فرهنگی باید شناسایی شوند. اهم این جنبه‌ها عبارتند از:

۱. جنبه فضایی - کالبدی شهر: تعداد، تراکم، ترکیب و طرز پراکندگی جمعیت، فضای شهر و اصول تمایز قسمتهای مختلف شهر و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی افراد و گروهها

۲. جنبه اجتماعی شهر: سازمانهای اجتماعی پیچیده از تجمع افراد مشتمل بر گروههای خانواده، طبقات اجتماعی، کارگاهها و کارخانه‌ها، گروههای نژادی و انجمن‌ها و...

۳. جنبه فرهنگی شهر: سبک زندگی، شیوه تفکر، نگرشها و بروز احساسات و عواطف برحسب مناطق مختلف و...» (توسلی، ۱۳۸۲: ۳ و ۵).

بنابراین، مشارکت شهروندی دارای ابعاد گوناگون است و هریک از این ابعاد جنبه‌ای از مشارکت را توصیف و تبیین می‌کنند. مشارکت شهروندی، برنامه‌های شهری را مشروعیت بخشیده و آن را نهادی می‌سازد (قلی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۴۵). در جوامع پیشرفته، مشارکت در امور شهری نهادینه شده و در آن حقوق و تکالیف شهروندان مشخص شده است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۸). مشارکت نهادینه شهروندان، کیفیت برنامه‌های شهری و رفاه شهروندان را افزایش می‌دهد. اما مسأله اساسی این است که مدیریت شهری در ایران، فاقد الگوی نهادی مشارکت شهروندان است. برنامه‌ریزان شهری به دنبال کاربرد الگوهای تجربی جوامع پیشرفته‌اند. این الگوها با وجود پاسخگویی به نیازهای جوامع هدف، به دلیل تضاد با فرهنگ و مقتضیات اجتماعی فرهنگی جامعه ما در عمل موفق نبوده‌اند. مدیریت شهری در ایران، مشارکت شهروندان را به عنوان تهدید قدرت خود تلقی می‌کند و آن را بر

نمی‌تابد. « مشارکتها عمدتاً توده‌ای، دست و پا گیر، بی‌نظم و فاقد انسجام بوده و امری سمبلیک، شعاری و نمادین است» (پیروز، ۱۳۷۱: ۱۰۴).

هنگامی که از مدیریت شهری مشارکتی سخن گفته می‌شود، مکانیزمهای مشارکت و نحوه تعامل برنامه‌ریزان و شهروندان تعریف نمی‌شود. اینکه در چه اموری و چگونه باید مشارکت کرد؟ یا اینکه مشارکت توده‌ای شهروندان چه فایده‌ای دارد؟ این ابهامات و مسائل ساختاری و اجتماعی، مدیران شهری را قانع می‌سازد که برنامه‌ریزی مشارکت‌محور، امری پر هزینه، زمان‌بر و بی‌فایده است. برنامه‌ریزی شهری مشارکتی، مستلزم شناخت ساز و کارها، ضرورتها و زمینه‌های مشارکت است که امکان مشارکت هدفمند شهروندان را در مدیریت امور شهری پدید می‌آورد. بنابراین سؤالات اساسی تحقیق این است که: مشارکت شهروندی در مدیریت شهری چه جایگاهی دارد؟ عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری کدامند؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

همانطور که گفته شد، الگوهای مدیریت شهری در ایران، عمدتاً الگوهای وارداتی بوده است. این الگوها با وجود پاسخگویی به نیازهای جوامع هدف، به دلیل تضاد با فرهنگ و مقتضیات اجتماعی جامعه ما، به اهداف مورد نظر دست نیافته است. با توجه به تأکید قانون اساسی و سطوح کلان مدیریتی کشور به نظرخواهی از مردم در اجرای امور، مشارکتها عمدتاً توده‌ای، فاقد انسجام و دارای نقش سمبلیک و نمادین است. این وضعیت حتی اگر بتواند، به تدریج ذهنیت شهروندان را نسبت به ضرورتها، زمینه‌ها و شرایط برای مشارکت واقعی و هدفمند آماده کند، مسلماً نمی‌تواند مشکلات انباشته شهروندان را حل کند. هدف اصلی مشارکت، بروز و ظهور نتیجه مشارکت در زندگی واقعی مردم است که موجب بهبود زندگی فردی و اجتماعی آنان شود. بنابراین پرداختن به مشارکت هدفمند برای بهبود امور شهری، تا اندازه زیادی به رویکرد مدیران شهری و شناخت درست ابعاد و زوایای

مشارکت بستگی دارد. مشارکتهای توده‌ای و سمبلیک نه تنها گرهی از مسائل و مشکلات روزافزون مدیریت شهری نمی‌گشاید بلکه آسیبه‌ها و تهدیدهایی را نیز متوجه جامعه می‌کند و با ایجاد بی‌اعتمادی در میان مردم، فرصتهای موجود نیز از دست می‌رود. نوسازی و بهسازی امور شهری زمینه‌ای است که مشارکت اجتماعی در آن اهمیت دارد.

امروزه، در سطح جهانی رویکرد «مشارکت‌محوری» در برنامه‌های مدیریت شهری تقویت شده است. اهمیت نقش مردم در اداره امور زندگی اجتماعی، درس گرفتن از تجارب و روند توسعه شهری در دهه‌های گذشته، لزوم انطباق طرحها و الگوهای برنامه‌ریزی با نیازها و خواسته‌های مردم؛ عدم توانایی مالی دولتها در نوسازی و بهسازی امور، پیچیدگی فزاینده زندگی شهری و تنوع فرهنگی شهروندان در تقویت رویکرد مشارکت‌محوری مؤثر بوده‌اند.

بنابراین موفقیت برنامه‌های شهری، در گرو حرکت از مشارکت صوری به سمت مشارکت واقعی و هدفمند است. در این نوع مشارکت، مکانیزمهای مشارکت واقعی تبیین می‌شود، ضرورتهای مشارکت، تعیین و زمینه‌های آن فراهم می‌گردد و شهروندان به طور مداوم در جریان نتایج ارزیابی‌ها و روند اجرای برنامه‌ها گذاشته می‌شوند. از طرف دیگر باور و اعتماد مدیریت شهری به توانمندی‌های شهروندان و اثرگذاری آنان در برنامه‌های شهری به طرحهای توسعه عمق بخشیده و مشروعیت آن را تضمین می‌کند؛ بنابراین آسیبه‌های فقدان مشارکت هدفمند در برنامه‌های مدیریت شهری بویژه در کلانشهر تهران با تنوع فرهنگی - اجتماعی و ساختارهای پیچیده و ارتباطات خاص نمود بیشتری دارد. لزوم کاهش این آسیب‌ها و ایجاد محیطی با آسایش خاطر شهروندان، توجه به ابعاد و زوایای مشارکت را ضروری می‌کند.

مبانی نظری تحقیق

در دیدگاهها و نظریه‌های مشارکت دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان؛ در سطح خرد، بر انگیزه‌ها، گرایشها و رفتارها تأکید

می‌شود و در سطح کلان، زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد. (ریتزر، ۱۳۷۳: ۱۱۸) از این رو مشارکت دارای دو بخش ذهنی و رفتاری است. بخش ذهنی، تمایلات و گرایشهای فردی و بخش رفتاری، فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۰). در هر دسته، نظریه‌های متعددی مطرح می‌شود.

از خودبیبگانگی و احساس بی‌قدرتی، فعالیت جمعی و مشارکتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۵۲). پارسونز، کنش را در برگیرنده حالات احساسی، فکری و رفتاری می‌داند که براساس الگوهای جمعی ساخت‌یابی شده، جهت‌گیری می‌شود (همیلتون، ۱۹۸۳: ۷۲). مشارکت تحت تأثیر هنجارهای راهنما و حالات فکری، اعتقادی و احساسی است. در کنش و واکنش متقابل میان افراد در جامعه، قواعد و الگوهای حاکم است که مبنای عمل و رفتارهای جمعی از طرف گروه است. در این گروه، هم‌نوایی یا ناهم‌نوایی فرد مطرح می‌شود و عواملی چون اعتماد به دیگران، نحوه مدیریت، ارتباط با دیگران، انسجام و همبستگی گروهی و... بر رفتارهای مشارکتی تأثیر می‌گذارند.

هومنز رفتارها را نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی می‌کند. مشارکت زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد. مشارکت هنگامی از فرد سر می‌زند که در قبال آن پاداش دریافت کند، برای او ارزشمند باشد و هزینه کمتری پرداخت کند (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۸۵).

هانتینگتون؛ نقش نخبگان سیاسی را جهت تشویق مردم به مشارکت مؤثر می‌داند و معتقد است که آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی را نباید نادیده گرفت. در جوامعی که زندگی گروهی و فعالیت‌های جمعی گسترش زیادی ندارند، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است. نگرش‌های نخبگان سیاسی و وضع انجمن‌ها و گروه‌های واسط، از پیش‌زمینه‌های مشارکت محسوب می‌شوند. (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۲۵).

هابرماس شکل‌گیری حوزه عمومی و گفت‌وگو خردمندان را بستری مناسب برای افکار عمومی و مشارکت دانسته است (هابوماس، ۱۹۸۹: ۱۶۱). در اندیشه وی شرایط دسترسی برابر به مشارکت است ضرورت اجتماعات گفت‌وگویی را پیشنهاد می‌کند (شیانی، ۱۳۸۲: ۱۲۳). زمانی که کنشگران برای بحث و گفتگو درباره مسائل مورد علاقه خود گرد هم آمده، به نقادی می‌پردازند، احساس تعلق، وابستگی و وفاق جمعی به وجود می‌آید که مقدمه‌ای برای رفتارهای جمعی و مشترک است (ترنر، ۱۹۹۰:).

ارنشتاین، مشارکت را به الگوی پیچیده روابط در امتداد و سطح و ابعاد شهروندی نسبت به دخالت در امور، میزان و نوع مشارکت مرتبط می‌داند که می‌تواند از عضویت صرف و عدم مشارکت تا مشارکت واقعی در رفتار شهروندان را دربرگیرد.

مدل نردبان مشارکت ارنشتاین

نظارت شهروند	قدرت تفویض شده همکاری
قدرت شهروند	تسکین بخشی مشاوره اطلاع‌رسانی
مساوات‌طلبی نمایی	درمان عوام‌فریبی
فقدان مشارکت	

(شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۸)

براساس نظر ارنشتاین، در پایین‌ترین پله این نردبان، عدم مشارکت وجود دارد و شهروندان از هیچ قدرتی برخوردار نیستند. گاهی برخی سازمانها با ایجاد شکلی ساختگی از مشارکت، به عوام‌فریبی می‌پردازند. سرپوش گذاشتن بر دیدگاهها و رفتارها از طریق نظرسنجی، هدف پله درمان است. مراتبی از اطلاع‌رسانی به

شهروندان نسبت به حقایق موجود درباره برنامه‌ها، پله بعدی است. در صورت عملکرد مناسب در مرحله آگاه‌سازی، حرکت به سوی جلب مشارکت شهروندان آغاز می‌شود و مشاوره برای انعکاس نظرات شهروندان به تصمیم‌گیرندگان سودمند خواهد بود. نتیجه این مشاوره، برخورداری کم از حق مشارکت است اما به طور موقت و تسکین‌بخش که مشارکت واقعی محسوب نمی‌شود؛ یعنی شهروندان از اقتدار کافی برخوردار نبوده و تصمیم‌گیری با صاحبان قدرت است و مراتبی از مساوات‌طلبی نمایشی به وجود می‌آید. در پلکان بعدی اشکال واقعی مشارکت دیده می‌شود که در قالب همکاری، قدرت تفویض شده و نظارت شهروند مطرح می‌شوند و بیانگر توزیع قدرت شهروند به واسطه مذاکره است. مخالفان بر این عقیده‌اند که این سطح به دلیل هزینه‌بر بودن، نارسایی و امکان سوء استفاده فرصت‌طلبان، مانع از ارائه مناسب خدمات عمومی می‌شود. در واقع با این نردبان می‌توان به تفاوت مشارکت تصنعی و واقعی پی برد.

در پژوهش‌های انجام شده از تجارب و فعالیت‌های مشارکتی در شهرهای ایران می‌توان به «چرخ‌ریسان» اشاره کرد. در اینگونه مشارکت، زنان چرخ‌ریس در حالی که هریک جداگانه و انفرادی برای خود می‌ریسیدند، هر شب در خانه یکی از اعضای گروه گرد هم می‌آمدند و با پذیرایی صاحبخانه به کار مشغول می‌شدند. به این ترتیب، کار در میان گروه همکاران و میهمانی به کاری جمعی و نشاط‌آور تبدیل می‌شد. این فعالیت یکی از اشتغالات زنان روستایی و شهری بوده است (فرهادی، ۱۳۷۱: ۷۲). همچنین گروه‌های خودیار عمدتاً در جامعه روستایی و شهری ایران تبلور داشته است: لای‌روبی قنات‌ها، نهرها، بستن سد بر روی رودخانه‌ها، تعمیر و لای‌روبی استخرها، حفر منابع آبیاری، تعمیر و احداث ساختمانهای عمومی نظیر مسجد، حمام، استخدام کارگران، امور نگهداری و محافظت و نظایر آن (فرهادی، ۱۳۷۳: ۷۶-۷۵).

علاوه بر تئوری‌ها و مدل‌های مشارکت، در نظریه‌های شهری نیز تفاسیری از

ارزشها، رفتارها و شیوه‌های زندگی شهروندان ارائه شده است. این نظریه‌ها، تفاوت‌هایی را به لحاظ زیرساخت زیستی، نظم اجتماعی (فرهنگ) و شرایط اجتماعی به تصویر می‌کشند که می‌تواند بر رفتارهای مشارکتی مؤثر باشد (افروغ، ۱۳۷۷: ۹۶).

در نظریه نیازسنجی، بر نیازهای خاص شهروندان اشاره شده است که باید با اتخاذ روش‌های مناسب پاسخ داده شود. یکی از این شیوه‌ها، مشارکت اعضای جامعه در فرایند برنامه‌ریزی شهری است. دانیل لرنر به ارتباط پدیده‌های شهرنشینی، رسانه‌ها، مشارکت و نوسازی پرداخته است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۷۲). گسترش شهرنشینی، موجب گسترش ارتباطات می‌گردد. نوسازی و بهسازی محیط زندگی شهری، مستلزم رویکرد مشارکت محوری است که بر تصمیم‌گیریها و تخصیص منابع مؤثر است و باید به گونه‌ای طراحی شود که انتظارات جامعه را برآورده سازد. مشارکت و فعالیتهای داوطلبانه بستری مناسب برای تأثیرگذاری بر تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی آنهاست.

بنابراین در بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در زمینه مشارکت و شهرنشینی دو رویکرد عمده را می‌توان از هم تفکیک کرد: رویکرد خردنگر و رویکرد کلان‌نگر. در دیدگاهها و نظریه‌های خردنگر بیشتر بر تمایل، انگیزه، گرایش و رفتار مشارکت تأکید شده و در دسته دوم زمینه‌ها و شرایط بویژه عناصر ساختاری مورد توجه قرار گرفته است. در سطح خرد کنش مشارکتی به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم شده که بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی نسبت به مشارکت است و بخش رفتاری، انجام فعالیتهای داوطلبانه جمعی و مشارکت در سازمان‌ها و نهادها را مطرح کرده است. به عبارت دیگر، در نظریه‌های کنش اجتماعی بر نظام باورها، گرایش‌ها و تأثیرات آن بر مشارکت تأکید شده است، در صورتی که در نظریه مبادله، رفتارها، نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی شده است. رفتار مشارکتی زمانی شکل می‌گیرد، تثبیت می‌شود و جنبه نهادینه می‌یابد که منافع حاصل از آن

بیش از هزینه‌ها باشد. مشارکت به عنوان یک رفتار هنگامی از فرد سرمی‌زند که در برابر آن پاداش دریافت کند، برای او ارزشمند باشد و هزینه کمتری را برای آن پرداخت نماید.

بنابراین مشارکت می‌تواند به شیوه‌ای تبدیل شود که بازتاب حضور واقعی مردم در عرصه‌های مختلف جامعه باشد یا می‌تواند ابزاری در دست قدرتمندان شده و جنبه صوری یا عوام‌فریبی پیدا کند چراکه مشارکت دربردارنده تمام فعالیت‌هایی است که بر تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع مؤثر است و باید به گونه‌ای طراحی و ساماندهی شود که انتظارات اعضای جامعه را فراهم سازد. مشارکت در نهادهای مدنی و فعالیت‌های داوطلبانه بستری مناسب برای تأثیرگذاری بر تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها، اجرای برنامه‌ها و ارزشیابی آنها خواهد بود.

چارچوب نظری

در دیدگاه‌های مشارکت دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان. در سطح خرد؛ بر انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها تأکید می‌شود و در سطح کلان؛ زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری مورد توجه قرار می‌گیرد. مشارکت دارای دو بخش ذهنی و رفتاری است. بخش ذهنی؛ تمایلات و گرایش‌های فردی و بخش رفتاری؛ فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد. پارسونز، کنش را در برگیرنده حالات احساسی، فکری و رفتاری می‌داند که براساس الگوهای جمعی ساخت‌یابی و جهت‌گیری می‌شود. در کنش و واکنش متقابل میان افراد در جامعه، قواعد و الگوهای حاکم است که مبنای عمل و رفتارهای جمعی از سوی گروه است. در این گروه، هم‌نوای یا ناهم‌نوایی فرد مطرح می‌شود و عواملی چون اعتماد به دیگران، نحوه مدیریت، ارتباط با دیگران، انسجام و همبستگی گروهی و... بر رفتارهای مشارکتی تأثیر می‌گذارند. به اعتقاد هومنز رفتارها نتیجه محاسبه سود و زیان است. مشارکت زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن بر

هزینه‌ها فزونی گیرد و مشارکت هنگامی از فرد سر می‌زند که در قبال آن پاداش دریافت کند.

بنابراین مشارکت اجتماعی پدیده‌ای چند بعدی است که تحقق آن نیازمند شرایط و الزامات خاصی است. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر ترکیبی از آرا، نظریه‌ها و دیدگاه‌های یاد شده است. رفتار مشارکتی متأثر از زمینه‌های ذهنی و عینی است که بخشی از آن از خصایص درونی و بخشی نیز از خصایص بیرونی ناشی می‌شود. این عناصر در ارتباط متقابل میان اعضای جامعه در کنشهای اجتماعی شکل می‌گیرد و توسط ساختار جامعه مشروط می‌شود. بنابراین با تأثیرپذیری، انسان در موقعیت‌های واقعی باید تصمیم بگیرد که چه عملی را انجام دهد و چگونه رفتار کند. به اعتقاد پارسونز کنش به سوی نیل به اهداف جهت می‌یابد که سه بعد این روند معرفتی، انگیزشی درونی و ارزش‌گذاری است. هر کنشگر برای رسیدن به هدف باید تلاش کند، دربارهٔ امور آگاهی داشته، نسبت به نیازهای خود دارای احساساتی باشد و سپس انتخاب کند. باید برای ارزیابی معیارهایی داشته باشد که همه در جامعه و در ارتباط متقابل با دیگران، اجتماعی می‌شود. کنش اجتماعی در یک نظام اجتماعی متشکل از ارتباطات متقابل، انتظارات متقابل، تعهدات متقابل و ضمانتهای اجرایی شکل می‌گیرد. بنابراین، در ارتباط فرد و جامعه دو نظام شخصیتی افراد و نظام اجتماعی وجود دارند. پس به منظور مطالعه رفتار مشارکتی در این پژوهش، شناخت ارزشها و نگرش‌ها ضرورت می‌یابد. به عبارت دیگر، مشارکت اجتماعی یک حرکت نظام‌دار است که از افراد، گروهها و جامعه سر می‌زند و هدف خاصی را دنبال می‌کند. این حرکت از شرایط و امکانات بهره‌گیری می‌کند یا در جریان خود با موانعی مواجه می‌شود. حال پرسش اصلی این است که چه عوامل و شرایطی بر مشارکت اجتماعی در مدیریت امور شهری مؤثر است؟ در پاسخ به این پرسش و در تبیین مشارکت اجتماعی با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نظریه‌ها می‌توان عواملی را تعیین کرد و سپس در قالب

فرضیاتی به محک تجربه گذارد.

۱. خصوصیات زمینه‌ای (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، سابقه شهرنشینی، شغل و...)

۲. نظام شخصیتی (ارزش‌ها، نگرش‌ها، تعهدات، تعلقات و...)

۳. خصوصیات خانوادگی (تحصیلات والدین، شغل والدین و...)

۴. وضعیت نهادی (امکانات و تسهیلات مشارکتی، شبکه روابط اجتماعی، انجمن‌ها، نهادها و...)

۵. وضعیت منطقه‌ای (امکانات محله، تسهیلات شهری در منطقه و...)

به این ترتیب مشارکت اجتماعی شهروندان متغیر وابسته بوده که متأثر از عوامل ساختاری، میانی و خرد است که در قالب متغیرهای مستقل در پژوهش وارد می‌شوند.

حجم نمونه تحقیق

برای تعیین حجم نمونه، مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بر اساس برخوردارگی از درجه توسعه‌یافتگی شاخصهای فضایی - اجتماعی، به ۵ گروه به شرح زیر تقسیم شده است.

گروه اول؛ شامل مناطق ۱، ۲، ۳، ۶ با جمعیت ۱۱۸۷۱۱۱ نفر، ۱۷/۶ درصد کل جمعیت

گروه دوم؛ شامل مناطق ۴، ۵، ۱۱، ۲۲، ۲۱ با جمعیت ۱۵۶۱۸۷۱ نفر، ۲۳/۱۱ درصد کل جمعیت

گروه سوم؛ شامل مناطق ۷، ۱۳، ۱۲، ۱۸ با جمعیت ۱۰۳۱۲۰۲ نفر، ۱۵/۲۶ درصد کل جمعیت

گروه چهارم؛ شامل مناطق ۲۰، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۰ با جمعیت ۱۹۵۳۹۲۵ نفر، ۲۸/۹ درصد کل جمعیت

گروه پنجم؛ شامل مناطق ۸، ۹، ۱۹، ۱۷ با جمعیت ۱۰۲۴۷۱۲ نفر، ۱۵/۱۶ درصد

کل جمعیت.

برای تعیین حجم نمونه در هر گروه از فرمول کوکران استفاده شده است.

$$\frac{N t^2 P.q}{N d^2 + t^2 p.q}$$

به دلیل نبودن اطلاعات دقیق از توزیع صفت متغیر مورد مطالعه، بالاترین حالات ممکن یعنی $P=q=1/5$ در نظر گرفته شده و در سطح خطای ۶٪ درصد با جای گذاری جمعیت هر گروه حجم نمونه برای هر گروه برابر با ۲۶۷ نفر برآورد شده است؛ یعنی برای ۵ گروه جمعاً ۱۳۳۵ خانوار مورد پرسش قرار گرفته است. حجم نمونه هر منطقه بر اساس درصد توزیع خانوارها که مساوی با درصد جمعیت آن منطقه است به ترتیب از منطقه ۱ تا ۲۲ به شرح زیر است.

منطقه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
حجم نمونه	۵۴	۹۷	۵۸	۱۲۵	۸۵	۴۹	۶۶	۷۲	۳۵	۶۱	۴۸
منطقه	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
حجم نمونه	۳۹	۵۰	۷۹	۱۱۵	۵۸	۵۴	۵۲	۳۹	۶۶	۳۳	۱۱

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در قالب یافته‌های توصیفی و همبستگی به شرح زیر ارائه شده‌اند.

یافته‌های توصیفی

- از نظر جنسیت، از کل حجم نمونه، ۴۴/۶ درصد زن و ۵۵/۴ درصد مرد هستند.
- از نظر سن، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۴-۱۵ سال است. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۳۰ سال است که نشان از جوانی جامعه آماری تحقیق است.
- از لحاظ تحصیلات، مقطع دیپلم با ۳۷/۵ درصد، نمای جامعه مورد مطالعه و بیشترین فراوانی پاسخگویان در هر دو گروه جنسی متعلق به دارندگان مدرک دیپلم است.
- از لحاظ وضعیت فعالیت پاسخگویان، ۴۵/۳ درصد شاغل، ۲/۷ درصد بیکار،

۱۷/۱ درصد خانه‌دار، ۲/۱ درصد سرباز، ۱۷/۵ درصد دانشجوی، ۱۲/۷ درصد دانش‌آموز و ۰/۳ درصد طلبه هستند.

- از نظر نوع شغل، ۵۳/۱ درصد پاسخگویان شغل آزاد، ۳۸ درصد کارمند، ۲/۹ درصد معلم، ۲/۱ درصد استاد دانشگاه، ۱/۳ درصد تأسیسات، ۱/۱ درصد پزشک، ۱ درصد نظامی و ۰/۵ در شغل مهندسی مشغول فعالیت هستند.

- از نظر قومیت، ۵۴/۷ درصد فارس، ۱۹/۳ درصد آذری، ۹/۲ درصد گیلکی، ۵/۹ درصد کرد، ۵ درصد لر، ۳/۱ درصد ترکمن، ۱/۵ درصد بلوچ و ۱/۴ درصد عرب هستند.

- از نظر درآمد ماهانه خانوار، ۱۲/۳ درصد افراد نمونه، درآمدی پایین‌تر دارند.
- از نظر هزینه خانوار، ۱۹/۹ درصد هزینه زندگی پایین، ۴۳/۳ درصد هزینه متوسط رو به پایین، در حدود ۱۳/۴ درصد هزینه متوسط رو به بالا، ۱۲/۱ درصد هزینه بالا و در حدود ۱/۴ درصد هزینه خیلی بالا داشته‌اند.

- از نظر وضعیت مسکن، ۴۷/۴ درصد در منزل شخصی، حدود ۲۵/۳ درصد در خانه‌های اجاره‌ای، حدود ۲/۲ درصد در منازل سازمانی و حدود ۲۱/۸ درصد در خانه پدری سکونت دارند.

- شخصیت فعال؛ ۴۱/۸ درصد پاسخگویان از حیث فعال بودن در مرتبه کم قرار دارند و تنها ۲۴/۳ درصد پاسخگویان دارای در مرتبه زیاد هستند.

- احساس تعلق گروهی؛ ۶۹/۱ درصد پاسخگویان احساس تعلق گروهی خود را نسبت به خانواده ۶/۹ درصد به قوم و طایفه، ۰/۷ درصد به محله، ۳/۲ درصد به شهر دانسته‌اند

- احساس تعلق فردی؛ ۸۱/۷ درصد پاسخگویان احساس تعلق خود را نسبت به اعضای خانواده دانسته‌اند. احساس تعلق فردی به خویشاوندان ۴/۷ درصد، تعلق به دوستان ۳/۴ درصد، به همسایگان ۱/۱ درصد، به همشهری‌ها ۱/۴ درصد و به هموطنان ۶/۴ درصد است.

-ارزیابی از وضعیت محله؛ ۲۴/۴ درصد پاسخگویان ارزیابی بد و ۴/۳ درصد ارزیابی خوبی از محله داشته‌اند.

-رضایت از زندگی در محله؛ ۳۶/۳ درصد پاسخگویان از محله خود رضایت کم و ۱۷/۸ درصد پاسخگویان رضایت زیاد داشته‌اند.

-مطلوبیت محله؛ ۲۴/۶ درصد پاسخگویان وضعیت محله خود را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

-آگاهی از وظایف شهرداری؛ ۸۹/۷ درصد پاسخگویان نسبت به وظایف شهرداری آگاهی بالایی دارند.

-تمایل به همکاری با شهرداری؛ ۲۴/۹ درصد پاسخگویان تمایل کم ۴۱/۷ درصد آنها تمایل زیادی برای همکاری با شهرداری دارند.

-تمایل به مشارکت با شهرداری؛ ۹۲/۵ درصد پاسخگویان تمایل کم و ۰/۱ تمایل زیادی برای مشارکت در امور شهرداری دارند.

-شرکت در فعالیتهای داوطلبانه؛ ۵۷/۸ درصد پاسخگویان فعالیت کم و حدود ۱۲/۷ درصد پاسخگویان فعالیت زیادی داشته‌اند.

-تجربه فعالیت جمعی؛ ۲۱/۸ درصد پاسخگویان تجربه فعالیت جمعی داشته‌اند.

-رضایت از عملکرد شهرداری؛ ۴۰/۴ درصد پاسخگویان رضایت کم و حدود ۱۵/۷ درصد از شهرداری رضایت زیادی داشته‌اند.

-اعتماد به شهرداری؛ ۴۰/۸ درصد اعتماد کم و تنها ۱۴ درصد اعتماد زیادی به شهرداری داشته‌اند.

-زمینه‌های همکاری با شهرداری؛ ۲۳/۶ درصد زیباسازی، ۱۵/۸ درصد طرحهای پیشنهادی، ۴/۱ درصد طرحهای ورزشی تفریحی، ۳/۲ درصد اطلاع رسانی و ۰/۷ درصد تمامی این موارد را ذکر کرده‌اند.

-موانع مشارکت در امور شهرداری؛ ۱۳/۹ درصد عدم توجه مسئولان، ۷/۴ درصد نبود مدیریت، ۵/۹ درصد رضایت نداشتن، ۵/۳ درصد مشکلات مالی، ۵ درصد

نظارت نداشتن، ۳/۳ درصد کمبود زمان، ۶/۶ درصد جمعیت زیاد را موانع مشارکت در شهرداری دانسته‌اند.

- شرایط مشارکت در امور شهری؛ ۱۵/۲ درصد کمک از مردم، ۱۱/۹ درصد برنامه‌ریزی و مدیریت، ۶/۴ درصد تشکیل شوراهای، ۲/۸ درصد اعتماد به شهرداری، ۱/۱ درصد پرسنل شایسته و ۰/۴ درصد مسأله آزادی را مطرح ساخته‌اند.

- اقدامات شهرداری برای جلب مشارکت مردم؛ ۱۴/۲ درصد نظرخواهی از مردم، ۱۰/۷ درصد مدیریت، ۱/۳ درصد آموزش، ۱/۲ درصد تمیزی محیط و ۰/۶ درصد بومی بودن کارمندان شهرداری مناطق را ابراز داشته‌اند.

- پیشنهاد برای افزایش مشارکت؛ ۷ درصد فرهنگ‌سازی، ۵/۱ توجه به مشکلات مردم، ۴/۵ درصد اطلاع‌رسانی به مردم و در حدود ۰/۳ الگوبرداری از کشورهای دیگر را پیشنهاد کرده‌اند. جدول (۴۲) این توزیع را گزارش می‌کند:

آزمون همبستگی‌ها

همبستگی بین متغیرها بر اساس ضریب پیرسن (r) محاسبه شده است. بعلاوه سطح معناداری و یا احتمال اشتباه رابطه متغیرها نیز نشان داده شده است.

جدول ۱: همبستگی دو به دو متغیرهای تحقیق

شاخص‌ها	مشارکت	نگرش به مشارکت	آگاهی از وظایف شهرداری	تمایل به مشارکت	ارزیابی محله	اعتماد به شهرداری	احساس تعلق	شخصیت فعال
مشارکت	۱							
	۰							
	۱۳۳۳							
نگرش به مشارکت		۱						
		۰/۰۷۰*						
		۰/۰۱۱						
آگاهی از وظایف			۱					
			۰/۰۲۸-					
			۰/۳۰۷					
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
مشارکت								
						</		

شهرداری	تعداد	۱۳۳۰	۱۳۱۶	۱۳۳۴				
تمایل به مشارکت	پیرسن	۰/۱۶۲**	۰/۰۲۷	۰/۰۳۲	۱			
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۳۴۹	۰/۲۶۸	۰			
	تعداد	۱۱۹۵	۱۱۹۰	۱۱۷۸	۱۱۹۶			
ارزیابی محله	پیرسن	۰/۲۳۳**	۰/۰۲۵	۰/۰۰۸	۱	۰/۲۷۹**		
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۶۸	۰	۰/۰۰۰		
	تعداد	۱۲۷۱	۱۲۵۸	۱۲۵۱	۱۲۲۷	۱۲۷۵		
اعتماد به شهرداری	پیرسن	۰/۰۴۵	۰/۰۲۸	۰/۰۸۰**	۱	۰/۱۴۳**		
	معناداری	۰/۰۰۰	۳۰	۰/۰۰۱	۰	۰/۰۰۰		
	تعداد	۱۳۴۲	۱۳۳۰	۱۳۱۱	۱۲۵۴	۱۳۴۳		
احساس تعلق	پیرسن	۰/۱۲۷**	۰/۰۶۲*	۰/۱۲۵**	۱	۰/۱۰۸**	۰/۱۲۱**	۰/۰۹۴**
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۲۴	۰/۰۰۰	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴
	تعداد	۱۳۴۳	۱۳۲۹	۱۳۱۷	۱۲۵۸	۱۳۲۴	۱۲۵۸	۱۱۸۲
شخصیت فعال	پیرسن	۰/۰۵۵*	۰/۱۹۸**	۰/۰۴۲	۱	۰/۰۶۶*	۰/۰۸۷*	۰/۱۶۳**
	معناداری	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	۰/۱۲۴	۰	۰/۰۱۶	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰
	تعداد	۱۳۴۶	۱۳۲۲	۱۳۱۹	۱۲۶۰	۱۳۳۷	۶۸۵	۱۱۸۶

همانطور که در جدول بالا دیده می‌شود بین متغیرها روابط مثبت و منفی معناداری وجود دارد. بین نگرش به مشارکت و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هرچه نگرش به مشارکت مثبت باشد، مشارکت شهروندان را به دنبال خواهد داشت. بین آگاهی از وظایف شهرداری و مشارکت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی آگاهی از وظایف شهرداری باعث مشارکت بیشتر شهروندان می‌شود.

رابطه میان تمایل به مشارکت و مشارکت، رابطه‌ای منفی و معنادار است. هرچه تمایل برای مشارکت بالاتر بوده، مشارکت در عمل پایین بوده است. ارتباط بین ارزیابی از محل زندگی و مشارکت، رابطه‌ای منفی و معنادار بوده است. هرچه ارزیابی افراد از محله زندگی‌شان بد بوده، مشارکت کمتری در امور شهروندی داشته‌اند.

از نتایج جالب توجه دیگر رابطه منفی بین شخصیت فعال، احساس تعلق به دیگران و مشارکت است. هرچه شخصیت افراد فعال باشد، کمتر مشارکت دارند. همچنین افزایش احساس تعلق افراد به دیگران، کاهش مشارکت افراد را در پی

دارد. علاوه بر این شخصیت فعال، رابطه‌ای منفی با نگرش به مشارکت داشته است؛ یعنی هرچه شخصیت افراد از نوع فعال باشد به مشارکت نگرش کمتری دارند. در توضیح این مطلب باید گفت که افراد دارای شخصیت فعال از لحاظ ذهنی ممکن است نسبت به مشارکت دید مثبتی داشته باشند اما زمانی که نوبت به رفتار مشارکتی می‌رسد، آنان با هزینه و فایده در مشارکت گام برمی‌دارند. به عبارت دیگر زمانی که مشارکت ذهنی (شخصیت فعال) حاصل شد، رفتار مشارکتی شکل نمی‌گیرد بلکه این فواید و هزینه‌های مشارکت است که در عمل آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین در تحقیق حاضر رابطه بین شخصیت فعال و مشارکت منفی شده است.

مقایسه میانگین‌ها

میانگین متغیرهای تحقیق به تفکیک گروه‌های پنج‌گانه ارائه شده است. این گروه‌ها بر اساس وضعیت مطلوب خدمات شهری، رفاهی و طبقاتی تقسیم‌بندی شده است:

جدول ۲: میانگین متغیرهای اصلی تحقیق بر حسب مناطق مختلف

متغیر	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵
شخصیت فعال	۴۷/۲۵	۴۶/۵۲	۵۰/۰۰	۴۶/۱۱	۴۴/۷۴
احساس تعلق	۱۴/۲۷	۱۷/۵۲	۱۵/۶۹	۱۸/۵۸	۱۲/۰۸
ارزیابی از محله	۵۳/۹۲	۵۷/۸۹	۵۳/۵۲	۵۴/۴۵	۴۶/۱۶
آگاهی از وظایف	۸۵/۲۷	۸۷/۰۰	۸۶/۰۶	۸۵/۴۷	۸۶/۸۹
تمایل به مشارکت	۳۷/۷۲	۳۵/۶۴	۳۶/۰۶	۳۳/۲۸	۳۲/۷۲
تمایل به همکاری	۵۵/۳۸	۵۴/۳۶	۵۳/۶۴	۵۲/۳۱	۴۸/۷۰
نگرش به مشارکت	۴۷/۴۴	۴۸/۰۸	۴۰/۹۸	۴۵/۶۴	۴۶/۹۲
مشارکت اجتماعی	۱۸/۲۵	۱۵/۲۸	۱۴/۷۶	۱۵/۱۹	۱۹/۷۵

نتایج آزمون F

گروه منطقه‌ای و تمایل مشارکت: نتایج آنالیز واریانس نشان می‌دهد بین گروه (مناطق) و میزان تمایل به مشارکت شهروندان هر منطقه رابطه‌ای معنادار وجود دارد. برای فهم این تفاوت بین گروهها از آزمون تعقیبی شفه و توکی استفاده شد. نتایج این دو آزمون: تفاوت میانگین بین گروههای شماره ۱ و مناطق ۴ و ۵ معنادار است. میانگین مشارکت گروههای ۱، ۴ و ۵ به ترتیب ۳۷/۷۲، ۳۳/۲۸ و ۳۲/۷۲ می‌باشد. میزان F کلی ۴/۳۵ است که در سطح ۰/۹۹ معنادار است.

گروه منطقه‌ای و نگرش به مشارکت: میزان F کلی بین گروه و نگرش به مشارکت حدود ۶/۸۸ است که در سطح احتمال ۰/۹۹ معنادار است. نتایج آزمونهای تعقیبی توکی و شفه نشان می‌دهد که این تفاوت بین گروه ۳ و چهار گروه دیگر است (بین این چهار منطقه تفاوت معناداری وجود ندارد). برای مقایسه میانگین گروهها، میانگین ۵ گروه به ترتیب عبارتند از: گروه یک ۴۷/۴۴، گروه دو ۴۸/۰۸، گروه سه ۴۰/۹۸، گروه چهار ۴۵/۶۴ و گروه پنج ۴۶/۹۲. می‌توان نتیجه گرفت که گروه سوم به طور معناداری میانگینی پایین‌تر از دیگر گروهها دارد.

گروه منطقه‌ای و مشارکت: نتایج آنالیز واریانس نشان می‌دهد که بین گروهها از نظر میزان مشارکت تفاوت معناداری وجود دارد که میزان F آن حدود ۳/۹۶ است که در سطح احتمال ۰/۹۹ معنادار است. نتایج آزمونهای تعقیبی شفه و توکی نشان می‌دهد که این تفاوت بین گروه ۵ و گروههای ۲، ۳ و ۴ است. میانگین این گروهها به ترتیب ۱۹/۷۵، ۱۵/۲۸، ۱۴/۷۶ و ۱۵/۱۹ است. می‌توان گفت که گروه پنج به طور معناداری، مشارکتی بیش از گروههای دو، سه و چهار دارد.

تحلیل رگرسیونی

در رگرسیون همزمان همه متغیرهای مستقل با هم وارد تحلیل می‌شوند. از این رو محاسبه R² صورت گرفته و آزمون معناداری آن به عمل می‌آید. اگر R² معنادار نباشد تحلیل خاتمه می‌یابد و اگر معنادار باشد، محقق به بررسی ضرایب رگرسیون

تفکیکی هر متغیر پس از حذف اثر دیگر متغیرها می‌پردازد. برای ورود متغیرها به معادله رگرسیونی، حداقل سطح معناداری ۹۵ درصد تعیین شده است و هیچ متغیری که دارای سطح معناداری کمتر از این سطح باشد، در معادله حضور نخواهد داشت. با توجه به این موارد، ابتدا یک مدل رگرسیونی متشکل از همه متغیرهای تحقیق برآورد می‌شود.

جدول ۳: ضریب رگرسیون متغیرهای مستقل بر مشارکت اجتماعی

متغیرهای مستقل	شخصیت فعال	احساس تعلق	نگرش به مشارکت	آگاهی از وظایف	ارزیابی محله	تمایل به مشارکت	اعتماد به شهرداری	درآمد
Bتا	*-۰/۰۴۹	**۰/۰۹۷	**۰/۱۱۵	**۰/۱۳۳	**۰/۲۳۷	**۰/۰۹۷	**۰/۱۲۰	**۰/۱۳۸
T	-۳/۱۱	-۳/۲۰۹	۳/۸۲۱	۴/۴۵۲	-۷/۶۰۳	-۳/۰۸۷	۳/۹۸۳	۴/۴۳۸
تعداد مشاهدات	۹۹۵	۹۹۵	۹۹۵	۹۹۵	۹۹۵	۹۹۵	۹۹۵	۹۹۵
میزان تبیین	تعیین تعدیل نشده: ۰/۱۵۶		تعیین تعدیل شده: ۰/۱۵۶					
	***p < ۰/۰۰۱		**p < ۰/۰۱			*p < ۰/۰۵		

در مدل رگرسیونی؛ شخصیت فعال رابطه‌ای منفی و معنادار با مشارکت دارد. میزان بتای این متغیر ۰/۰۴۹- است. به این معنا افزایش در شخصیت فعال (نوع شخصیتی که بیشتر فعال است) به میزان بتای مذکور در متغیر مشارکت اجتماعی افزایش خواهیم داشت. رابطه بین احساس تعلق و مشارکت اجتماعی نیز منفی و معنادار است و میزان بتای آن ۰/۰۹۷- است؛ به این معنا که با افزایش میزان تعلق فرد به دیگران از میزان مشارکت آنها کاسته می‌شود.

نگرش به مشارکت رابطه‌ای مثبت و معنادار با مشارکت اجتماعی دارد و میزان بتای آن ۰/۱۱۵ است. این میزان بتا و جهت آن نشان می‌دهد که افزایش در نگرش به مشارکت، به میزان بتای یاد شده مشارکت اجتماعی را در پی خواهد داشت.

متغیر آگاهی از وظایف شهرداری نیز رابطه‌ای مثبت و معنادار با بتای ۰/۱۳۳ با مشارکت اجتماعی دارد؛ یعنی اینکه با افزایش میزان آگاهی از وظایف شهرداری به

میزان بتای مذکور بر مشارکت اجتماعی افزوده می‌شود. میزان بتای متغیرهای ارزیابی محله ۰/۲۳۷- است؛ به این معنا که هرچه ارزیابی شهروندان از وضعیت محله بدتر شود به میزان بتا بر مشارکت آنها افزوده می‌شود. متغیر تمایل به مشارکت دارای بتای ۰/۰۹۷- است؛ یعنی هرچه تمایل شهروندان برای مشارکت در امور شهروندی افزایش پیدا می‌کند، به میزان بتای مذکور از مشارکت آنها کاسته خواهد شد. متغیر اعتماد به شهرداری با بتای ۰/۱۲۰ رابطه‌ای مثبت با مشارکت اجتماعی دارد؛ یعنی با افزایش میزان اعتماد به شهرداری به اندازه بتای ذکر شده بر میزان مشارکت افزوده می‌شود. درآمد نیز رابطه‌ای مثبت و معنادار با مشارکت اجتماعی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال پاسخگویی به دو سؤال اساسی بوده است: مشارکت شهروندی در مدیریت امور شهری چه جایگاهی دارد؟ عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری کدامند؟ پاسخ به پرسش نخست، از بررسی مشارکت ذهنی حاصل می‌شود. مباحث نظری مربوط به مشارکت، برنامه‌ریزی شهری و تجارب جهانی و ملی در این زمینه، تا حد زیادی این پاسخ را امکان‌پذیر می‌سازد. جایگاه مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری یک جایگاه انکارناپذیر است. این جایگاه با در نظر گرفتن ضرورتها، زمینه‌ها و الزامات آن تبیین شده است؛ بنابراین مشارکت هدفمند و انتفاعی است. موفقیت یک برنامه تا اندازه زیادی به نقش مردم و نحوه دخالت آنها در برنامه باز می‌گردد. تعیین نیازها، خواستها و اولویت‌بندی برنامه‌های شهری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و فضایی و... جز با مشارکت مردم میسر نیست. بعلاوه تجربه برنامه‌های غیر مشارکتی، تاکنون این فرضیه را به اثبات رسانده و آزمون خود را پس داده است. مشارکت ذهنی به دنبال تغییر در گرایشها، باورها و وجهه نظرهاست. بدون اعتقاد و باور ذهنی به ضرورت

مشارکت، رفتار مشارکتی شکل نمی‌گیرد و بروز پیدا نمی‌کند. این نوع مشارکت مستلزم استفاده و بهره‌گیری تکنولوژی‌های رسانه‌ای، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی به موقع و سریع شهروندان است.

برای پاسخ به پرسش دوم باید گفت که مشارکت ذهنی و رفتاری مکمل یکدیگرند. ایجاد تغییر در باورها و وجهه نظرهای مردم در گرو تبیین رفتاری مشارکت است. اعتقاد و باور به مشارکت زمانی شکل می‌گیرد که فرد بتواند در نتیجه آن، اقدامی انجام دهد. اقدام به رفتار مشارکتی زمانی شکل می‌گیرد که با هدفمندی و حصول منافع همراه باشد. شهروندان باید درباره مکانیزم مشارکت و سازوکارهای آن مطلع باشند و مدیریت شهری برای اثرگذاری مشارکت شهروندی باید الزامات آن را فراهم سازد.

هدف این تحقیق آن است که زمینه‌ای ایجاد کند تا شهروندان بتوانند در برنامه‌ریزی‌های مدیریت شهری مشارکت فعال و هدفمند داشته باشند. بدون تعیین نقش و جایگاه مشارکتی، صرفاً مشارکت کور و بی‌فایده خواهد بود که نه تنها مطلوب نیست بلکه می‌تواند قوت‌ها را به ضعف و فرصتها را به تهدید بدل سازد. بنابراین لازم است با ساماندهی شرایط و زمینه‌ها، بخشی از اقبال در تهیه، اجرا و ارزیابی طرحها، گروهی در حفاظت، نگهداری و بهره‌وری طرحها و فضاها مشارکت کنند زیرا اگر بهترین طرح و برنامه هم اجرا شود، ولی با احساس عاطفی و سرمایه اجتماعی همراه نباشد، پایدار نخواهد بود. بنابراین می‌توان الگوهای موجود را سمت و سوی مشارکتی داد و یک الگوی بومی تلفیقی از این الگوها ارائه کرد. با تقسیم بندی برنامه‌ها و طرح‌ها به دو بخش طراحی و اجرا، حفاظت و بهره‌برداری می‌توان مشارکت در بخش مربوط به طراحی و اجرا را به متخصصان و برگزیدگان و تحصیل‌کردگان سپرد و در بخش حفاظت و بهره‌برداری، از مشارکت زنان، جوانان، بازنشستگان و علاقه‌مندان بهره گرفت. اینگونه هدفمندی مشارکت می‌تواند مشارکت همگانی، فعال و با احساس همبستگی را

تقویت نماید. این فضا با ایجاد حس اعتماد شهروندان به مدیریت شهری، کارایی و بهره‌وری فضاها را افزایش می‌دهد.

عمده مشکلات شهر تهران مربوط به نحوه نگهداری و حفاظت و بهره‌برداری از طرحها، برنامه‌های اجرا شده و فضاهاست. بسیاری از طرحها در اثر بی‌توجهی مردم و عدم تعلق به آنها به طور مطلوب نگهداری نشده و در طول چند سال از بین می‌روند. متخصصان و خواص در این زمینه کمتر می‌توانند مؤثر باشند بنابراین جلب مشارکت شهروندی زنان، کودکان، جوانان و بازنشستگان و... بویژه می‌تواند خلاء حفاظت و نگهداری از برنامه‌ها و فضاها را پر کند و ضمن ایجاد روحیه نشاط در این اقشار و احساس مفید بودن، گام مؤثری برای بهبود محله و منطقه و شهر برداشته شود. بنابراین تبیین نحوه مشارکت گروه‌های مختلف از مراحل تهیه، اجرا، نظارت و ارزیابی طرحها در حوزه‌های اجتماعی - فرهنگی مدیریت شهری می‌تواند تحقق اهداف برنامه‌های شهری را تضمین کند.

پیشنادهای تحقیق

پیشنادهای این تحقیق در قالب راهبردها و راهکارها به شرح زیر ارائه شده است:

- استراتژیها :

- تلاش برای تقویت سرمایه اجتماعی و حس اعتماد شهروندان به مدیریت شهری
- محدود شدن دخالت سازمانهای دولتی در برنامه‌ریزی شهری و سیاستگذاری شهری
- گسترش فضای فعالیت نهادهای مدنی، عمومی و مردمی در برنامه‌ریزی مدیریت شهری
- ایجاد بستر اجتماعی - فرهنگی مشارکتی از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های فرهنگی خاص
- تبیین و اجرایی شدن حقوق شهروندی و توجه به مطالبات شهروندی و جایگاه قانونی آن

- پذیرش اصل نظارت و پاسخگویی برنامه‌ریزان به مردم و ارتباط دوسویه در تصمیم‌گیریها

- توجه به اصول معماری ایرانی- اسلامی و تاریخی در احیای محلات و مناطق شهری

- **پیشنهادها:**

- ارزیابی سالانه از میزان مشارکت در مدیریت شهری و شناسایی موانع و مشکلات آن

- استفاده از پتانسیل مدارس و دانشگاهها برای جلب مشارکت در امور فرهنگی و اجتماعی

- سودآور کردن مشارکت و تعیین ابزارهای لازم برای جلب مشارکت مردم در امور انتفاعی

- سهم کردن شهروندان مشارکت‌جو در منافع ایجاد شده ناشی از تولید خدمات شهری

- کاهش عوارض شهرداری برای شهروندان مشارکت‌جو و نمونه

- تقویت مشارکت محله‌محوری در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده مناطق شهر تهران

منابع

- ۱- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). **فضا و نابرابری اجتماعی**، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: نشر نی.
- ۳- پیروز، پوریا. (۱۳۷۱). **موانع توسعه ایران: عوامل تاریخی**، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۹ تا ۶۰.
- ۴- پوپر، کارل. (۱۳۶۹). **جامعه‌باز و دشمنان آن**، ترجمه علی اصغر مهاجری، تهران:

شرکت سهامی انتشار.

۵- پیران، پرویز. (۱۳۷۶). مبانی مفهومی و نظری مشارکت، تهران: مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی.

۶- _____ . (۱۳۷۴). برنامه جامع آگاه‌سازی همگانی: شهروندمداری، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

۷- توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور.

۸- _____ . (۱۳۶۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.

۹- ریتزر، جورج. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه احمدرضا غروی زاد، تهران: ماجد.

۱۰- روشه، گی. (۱۳۷۴). کشش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

۱۱- سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۷۸). «کنکاشی در مفهوم شهرداری»، ماهنامه شهرداریها، دوره جدید، سال اول، ش ۱.

۱۲- شایبرچیم، جی. (۱۳۷۹). مدیریت شهر، خط مشی‌ها و نوآوریها در کشورهای در حال توسعه، ترجمه پرویز زاهدی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

۱۳- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴). «شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، انتشارات علمی فرهنگی، سال اول، شماره یک.

۱۴- _____ . (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۵- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور.

۱۶- کوزر، لوئیس. (۱۳۶۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی

۱۷- قلی‌پور، آرین. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سازمانها، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و

تدوین کتب دانشگاهها، (سمت).

- ۱۸- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۳). «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۹- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۳). بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طرح تفصیلی.
- ۲۰- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری. (۱۳۷۹). فضاهای فرهنگی، ورزشی - تفریحی، جلد دهم، وزارت کشور، دفتر برنامه ریزی عمرانی.
- ۲۱- نجاتی حسینی، محمد. (۱۳۷۹). «پارادایم جدید مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، ش ۱.
- ۲۲- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- ۲۳- یونسکو. (۱۳۷۵). مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داود طباطبایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 24- Caotri, H. et al (1986) Popular Participation in Development. Paris: Unesco.
- 25- Habermas , J (1989) the Public sphere London: sage in steren seidman (ed).
- 26- Coser.A Levis. Benard Rosenberg(1965), Sociological theory the Macmillan company New York.
- 27- Hamilton Peter (1983) , Talcott Parsons, Routledge London. February,P.74
- 28- Holton Robert (1989) , Bryan-Turner “Max Weber on Economy and Society Routledye, London,
- 29- Local Government in Biritain (1988), Reference division Central Office Of information.
- 30- Olsen M (1976), Alienation and Political Opinions in Robinson y.p sharer R. P. Measares of Social Psychological Attitudes usa. P. 228-299.
- 31- Oxford Advanced Lerner's 2003.
- 32- UNCHS (Habitat), (1996) The role of community participatior in Human settlements work, Nairobi